

شیوه‌های انتقال ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن و حدیث

سید میر صالح حسینی جبلی *

چکیده

ارزش‌ها، از مهم‌ترین مباحثی است که در برقراری نظم اجتماعی، توجه جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است. متولیان اجتماعی با هدف حفظ ارزش‌های موجود جامعه، سعی می‌کنند شیوه‌هایی را برای انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده، بیان نمایند. این مهم در جوامع اسلامی به‌ویژه از طریق آموزه‌های دینی قرآن و حدیث دو چندان خواهد بود. این نوشتار با روش تحلیل نقلی - تفسیری به دنبال پاسخ به این پرسش است که شیوه‌های انتقال ارزش‌ها در جامعه چگونه است؟

نتایج نشان می‌دهد؛ ارزش‌ها، از طریق یادگیری و پیروی، همانندسازی از گروه‌های مرجع و قانون، هنجارسازی، ایجاد محبت، احساس تعلق، همسرگزینی و ازدواج انتقال می‌یابد. بیان یک گفتمان اسلامی در رابطه با علم و دین از نوآوری‌های مقاله است که در عرصه انتقال ارزش‌ها، در قرآن و حدیث بیان شده است.

کلیدواژه‌ها

ارزش‌های اجتماعی، شیوه انتقال ارزش‌ها، ارزش‌ها در قرآن و حدیث..

مقدمه

در جوامع، نیازهای زیستی سبب می‌شوند تا وسایل رفع نیاز در نظر مردم ارزشمند گردند؛ خانه، وسیله نقلیه و غذا ارزش پیدا کند: «مال و فرزند، زینت زندگی است» (کهف: ۴۶)، اما نمی‌توان به این نتیجه رسید که اگر نیازهای زیستی یک جامعه دینی تأمین نشود، به تدریج ارزش‌های دینی آن از بین برود و در تثبیت و انتقال ارزش‌های خود دچار اختلال گردد. دلیل آن را این‌گونه مطرح کنیم که نیازهای ایدئولوژیک قابلیت لذت بیولوژیک را ندارد و در جامعه ارزش‌هایی باقی می‌ماند که دارای سود و نفع زیستی باشد؛ زیرا شواهد تاریخی و مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که مسلمانان، در شعب ابی طالب ماه‌ها از غذا و آب و دیگر نیازهای ضروری محروم بودند و به‌طور طبیعی در اثر این فشار زیستی و اجتماعی می‌بایست تمام ارزش‌های اعتقادی و ایدئولوژیک خود را از دست می‌دادند، اما این اتفاق نیفتاد. خدای سبحان به مؤمنان می‌فرماید: «[ارزش‌های پایدار و شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است!» (همان) یا در انقلاب اسلامی ایران تحریم‌ها به‌ویژه اقتصادی و دارویی ابرقدرت‌ها، می‌بایست ارزش‌های دینی را نابود می‌ساخت، اما چنین اتفاقی نیفتاد. از این رو، با توجه به شواهد تجربی پیرامونی، نمی‌توان نگاه رودلف و شریف یا برگمن و مازلو را پذیرفت که معتقدند: اگر نیازهای زیستی برای مردم ارزشمند شود، نیازهای ایدئولوژیک به دلیل ناتوانی در رفع نیاز بیولوژیک، خاصیت ارزشی پیدا نمی‌کنند (مزلو، ۱۹۷۰م: ص ۵۷).

علاوه بر این، فلاسفه مسلمان از جمله ابوعلی سینا و ملاصدرا، تلاش کردند تا رابطه بین نفس و بدن را تبیین نمایند و معاد جسمانی و روحانی را اثبات نمایند و در حرکت جوهری، حدوث جسمانی و بقای روحانی نفس و روح، را به‌طور کامل بحث کرده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۴: ص ۴۵). امام صادق ۷ می‌فرماید: «ارواح با بدن آمیخته نمی‌شوند و آنها را رها نمی‌کنند، بلکه مانند پرده‌های نازکی هستند که آن‌را در بر گرفته‌اند» (مجلسی، ج ۷: ص ۳۴). در این نوع انسان‌شناسی، فلاسفه مسلمان آثار و خواص طبیعی برای جسم و آثار معنوی و فطری برای روح انسانی را به اثبات رسانده‌اند. امام علی ۷ در حالات روح می‌فرماید: «... حیات روح، دانش اوست و مرگش، نادانی اوست و بیماری‌اش، شک او و سلامتی‌اش، یقین او و خوابش، غفلت او و بیداری‌اش، هوشیاری

اوست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ص ۴۰)؛ از این رو، انسانیتِ انسان، تنها به ارزش‌های مادی ختم نمی‌شود، بلکه به ارزش‌های روحی او وابسته است و نمی‌توان نتیجه گرفت که با ارزشمند شدن نیاز مادی، ارزش‌های غیرمادی انسانی از بین خواهد رفت.

به هر حال، از آنجایی که جامعه به واسطه ارزش‌های آن شکل می‌گیرد (گوردن، ۱۳۸۸: ص ۱۲۲۸) ضروری است تا این ارزش‌ها بررسی شود. در این پژوهش تلاش شده تا شیوه‌های انتقال ارزش‌های اسلامی در جامعه بررسی و با شرح پدیده‌ها به روش نقلی و تفسیری، به پرسش‌های فراروی پژوهش پاسخ داده می‌شود.

چارچوب مناسبات مفهومی

در بازخوانی تعریف فرهنگ مشاهده می‌شود که ارزش با بسیاری از مفاهیم همانند: هنجار، عقاید، آگاهی، دارای ارتباط دوسویه است و حتی برخی از جامعه‌شناسان هنجارها را دارای ریشه‌های ارزشی می‌دانند و معتقدند: باورها و عقاید در جامعه، ارزش خاصی را تولید می‌کنند. از این روی، ارزش‌ها از اقسام هنجارهای فرهنگی شمرده شده‌اند (کوئن، ۱۳۷۹: ص ۶۱).

کلمه ارزش به لحاظ لغوی به معنای شایستگی و قابلیت آمده است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۱: ماده ارزش) ارزش‌های اجتماعی، ریشه در فرهنگ جامعه دارد (کازنو، ۱۳۴۹: ص ۱۴۲) بیشترین محور توجه در فرهنگ به معنای وسیع آن، ارزش‌های اجتماعی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهد شد (کولمن، ۱۳۷۲: ص ۵)؛ از این رو، فرهنگ در هر جامعه‌ای ارزش‌های مورد قبول آن جامعه را تولید می‌کند، این ارزش‌ها از احساسات و تولیدات هنری گرفته تا علم، ادبیات، فن آوری، عقاید، احکام و شیوه زندگی و حتی ارتباطات را نیز شامل می‌شود و در این صورت است که فرد به فرهنگ ارتباطات اجتماعی اهمیت می‌دهد (Gordon, 1978: p. 93).

ارزش‌های فرهنگی در جامعه اسلامی، از دین گرفته می‌شود. ارزش‌های دینی، در نظام ارزشی جامعه دینی، از ضروری‌ترین ارزش‌ها هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس حسنه‌ای انجام دهد، ده برابر به او پاداش می‌دهند» (انعام: ۱۶۰). هدف اصلی در زندگی، عملی ساختن آموزه‌های دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی است. این ارزش‌ها در قرآن

برای انسان بیان شده است: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!» (دهر: ۳) بنابراین، در اسلام ارزش‌ها ریشه در وحی داشته و می‌توانند به صورت فراگیر در جامعه منتشر شوند.

مروری بر دیدگاه جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که ویژگی‌های مفهومی ارزش‌ها عبارتند از:

۱. ارزش‌ها حقایقی واقعی بوده که در جوامع گوناگون قابل مشاهده است (صانعی، ۱۳۷۲: ص ۴۸)؛

۲. ارزش‌ها از سنخ امور واقع‌اند و می‌توان به آنها معرفت پیدا کرد؛ مشروط بر اینکه برای شناخت انسان از روش‌های علوم طبیعی استفاده نکنیم، بلکه از کل تجارب بشری، همانند: تجارب باطنی و نتایج حاصل از اِعمال نیروی خیال، تخیلات و افکار را نیز در نظر بگیریم (وایس کفر، ۱۳۸۲: ص ۳۱۹)؛

۳. ارزش‌های اجتماعی الزاماً در تمامی موارد، ارزش‌های واقعی نیستند؛ یعنی در مواردی وجود واقعی ندارند و نسبی است؛ کما اینکه زیمیل آن را در مقابل کانت مطرح کرد؛ زیرا کانت معتقد است: ارزش‌های مطلق و ثابت وجود دارد (رفیع‌پور، ۱۳۸۹: ص ۲۸۷)؛

۴. ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته بسیار گسترده است. درحالی‌که ارزش‌های جدید بیشتر در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ دارد و حتی حمایت مردم از احزاب سیاسی و نوع حزبی که حمایت می‌کنند، بستگی به شکل نوین ارزش‌هایی است که در جامعه به وجود می‌آید (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ص ۱۹)؛

۵. ارزش‌ها در یک تقسیم‌بندی به قدرت، دانش، ثروت، احترام، سلامت، مهارت، محبت و پرهیزکاری طبقه‌بندی می‌شوند (کاظمی، ۱۳۸۲: ص ۱۳۱).

۶. ارزش‌ها، منبع وجودشناختی دارند. علت نهایی ارزش‌ها، در علت نهایی هستی ریشه دارد. حتی آن کسانی که استدلال‌های مابعدالطبیعی را رد می‌کنند، می‌توانند از تاریخ بیاموزند که همه فرهنگ‌ها، ارزش‌های نهایی خود را از مفهوم یا نمادی اساسی - که اساس هستی تلقی می‌شود - از قبیل: خدا، طبیعت، جهان و غیره به دست می‌آورند. هر جا که آگاهی از این ارتباط بین علت هستی و ارزش‌ها فراموش شود، ارزش‌ها رو به نابودی می‌روند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۳۲۲).

در مجموع می‌توان گفت: ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های خلق‌شده در جامعه بشری تلقی می‌شوند و می‌توانند در جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر متفاوت باشد؛ البته این بدان معنی نیست که ما ارزش مطلق نداریم و تمامی ارزش‌ها نسبی‌اند. نسبت قائل شدن در ارزش‌های اجتماعی، نمی‌تواند تمام ارزش‌های بشری را نسبی کند؛ زیرا بسیاری از ارزش‌های بشری از طریق وحی دریافت شده است و در دایره ارزش‌های وحیانی نسبت معنی ندارد. آنچه از طریق وحی به بشر می‌رسد، در تمام جوامع بشری بدون در نظر داشتن نژاد، ملیت و عقاید آنان، قابل پیاده شدن است و به صورت مطلق وجود خواهد داشت.^۱ نسبت‌گرایی با این مشکل مواجه است که آیا گزاره: «هیچ چیزی به عنوان حقیقت وجود ندارد و ارزش‌ها نیز نسبت به افراد متفاوت است»، خودش نیز نسبی است یا یک حقیقت مطلق است. اگر بگویید که حقیقت دارد، پس خودتان اعتراف به یک امر مطلق کرده‌اید که نسبت در آن وجود ندارد و اگر بگویید، این گزاره هم نسبی است، باید گفت: چگونه می‌تواند یک امر نسبی و مشکوک برهانی بر علیه براهینی باشد که مدعی دسترسی به حقیقت هستند (تریک، ۱۳۸۴: ص ۴۱).

درباره اینکه چگونه ارزش‌ها و هنجارها را می‌توان در جامعه نهادینه کرد، دورکیم و فرِد، اصطلاح جامعه‌پذیری را به کار برده‌اند (Danziger, 1970: p. 13) که نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است (رابرتسون، ۱۳۸۵: ص ۱۱۲).

اکنون شایسته است که به دو دیدگاه دیگر متفکرین مسلمان اشاره شود. برخی معتقدند، برای تعیین نظام ارزشی می‌بایست «نص» را بر واقعیت‌های اجتماعی عرضه کرد و آنچه که نص الهی بر آن تعلق گرفت، ارزشمند خواهد بود (حنفی، ۱۹۸۰: ص ۸۹). آنان چنین استدلال می‌کنند که عقل بشری دارای نقص است و هیچ واجبی نیست مگر اینکه منفعتی برای انسان دارد و هیچ حرامی نیست مگر اینکه ضرری به انسان وارد می‌کند؛ از این رو، نصوص در قالب تکلیف به انسان عرضه می‌شود. در این دیدگاه، نصوص دینی می‌تواند در تعارض با عقل قرار گیرد. این دیدگاه از نظر اصولین شیعه مورد نقد قرار

۱. ر.ک: به مقاله: «دگردیسی ارزش‌ها و چگونگی مواجهه با آن»، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۲۰، بهار ۱۳۹۷.

گرفت و آنان معتقدند که نصوص شرعی با عقل تعارض ندارد، بلکه عین حکم عقلی است (صدر، ۱۳۹۷ق: ص ۲۹۰).

گروهی دیگر معتقدند که خداوند فیاض است و او آنچه را که خیر است به انسان می‌دهد؛ از این رو، اگر مصرف‌گرایی و اسراف، ارزش اجتماعی پیدا کرد، نباید نگران بود؛ زیرا خداوند روزی بندگان را می‌رساند ولو اینکه بندگان، با اسراف، محیط‌زیست را تخریب کنند. خداوند دارای قدرت و حاکمیت است و او بهتر از هر انسانی می‌داند که چگونه منابع را افزایش دهد (حنفی، ۲۰۰۲: ص ۱۲۸). عابد جابری؛ در این باره معتقد است: جهان اسلام با این گونه تفکرات به سمت عقب‌ماندگی سیر کرد. علت انحطاط گفتمان‌های معاصر عرب را باید در ناعقلانی بودن آنها به جهان پیرامون جستجو کرد (الجابری، ۱۹۹۳م: ص ۹۵) و نتیجه می‌گیرد که ساختار عقل عربی به‌طور کلی، فاقد عنصر علیت است و تنها از طریق همانندی میان اشیا استوار است و فقیهان و متکلمان اهل سنت، به‌طور ناخودآگاه همین ساختار را پذیرفته‌اند و آن را سنگ‌بنای نظام معرفت اسلامی و ارزشی قرار داده‌اند (همو، ۱۹۹۳: ص ۶۹).

واقعیت این است که در مکتب اهل بیت: نظام ارزش‌های اجتماعی از طریق وحی نازل می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!» (انسان: ۳) و در آیه دیگر می‌فرماید: «هر که به خدا تمسک جوید، قطعاً به صراط مستقیم هدایت شده است» (آل عمران: ۱۰۱) امام صادق ۷ درباره راه‌های درستی که انسان را به سعادت می‌رساند، می‌فرماید: «صراط دنیا، همان امامی است که اطاعتش واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱: ص ۳).

البته، بشر به دلیل محدودیتی که دارد، قادر بر طراحی نظام جامع ارزش‌های اجتماعی نیست. در اسلام، برخلاف نگاه سلفیه، عقل با نص تعارض ندارد و زمانی که عقل بشری درک می‌کند که تخریب محیط‌زیست و آلودگی آن سبب نابودی زیستگاه انسان می‌شود، آیا عقل شارع مقدس نمی‌تواند آن را درک کند! شارع مقدس نیز یکی از عقلا و خالق عقلا است؛ هر جا که حکم عقلی مطرح شود، نص هم به‌طور قطع در آنجا وجود دارد و بین حکم عقلی و حکم شارع مقدس ملازمه است (صدر، ۱۳۹۷ق: ص ۲۹۰).

از این رو، اگر در یک زمانی به یک حکم عقلی رسیدیم که با نص تعارض داشت، باید متوجه باشیم که این حکم، از ابتدا عقلی نبوده بلکه ما به ظاهر از آن عقلی تلقی کرده‌ایم و گرنه حکم عقلی اگر در حقیقت عقلی باشد، با نص و شریعت در تعارض نمی‌باشد؛ زیرا آنچه را عقل بشری، در تعارض و اجتماع نقیضین می‌داند، عقل الهی و نص به طور قطع بر آن حکم تعارض خواهد نمود.

به هر حال، در نظام ارزشی اسلام، می‌توان با استفاده از عقل بشری و نیز توجه به سنت - افعال، اقوال و تقریرات معصومین - به طراحی پرداخت. ارزش‌های خلق شده در اسلام مطلق بوده و غیر قابل تغییرند؛ زیرا خاستگاه آنان وحیانی است و از سوی خدای سبحان به بشر وحی شده است: «مسلماً ما قرآن را بر تو نازل کردیم» (انسان: ۲۳) و حفظ آن از یک امر قدسی نشأت گرفته است: «و ما به طور قطع، نگهدار آنیم» (حجر: ۹). از این رو، تنها ارزش‌هایی می‌توانند ادعای مطلق بودن داشته باشند که توسط آخرین دین جهانی، بدون هیچ تصرفی به جوامع انسانی رسیده باشد که در جهان امروز دین اسلام است: «و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق) آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت، از زیان کاران است» (آل عمران: ۸۵). امام علی ۷ می‌فرماید: «خداوند سبحان کتابی راهنما فرستاد و در آن خوب و بد را روشن ساخت. پس راه خوبی را پیش گیرید تا هدایت شوید و از راه بدی دوری جوئید تا به مقصد برسید» (نهج البلاغه، خ ۱۶۷).

سایر نظامات ارزشی به دلیل اینکه عاملان انسانی آن را تدوین می‌کنند، دارای بُرد زمانی خاصی است و به دلیل محدود بودن انسان، مطلق و ثابت در تمامی اعصار نخواهد بود و انسان نمی‌تواند نظام ارزش‌هایی طراحی کند که برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها و بدون هیچ گونه نقصی به صورت دائمی وجود داشته باشد.

بنابراین، با توجه به دیدگاه‌های ذکر شده، می‌توان به چارچوب مفهومی ویژه‌ای متناسب با این تحقیق دست یافت و آن عبارت است از اینکه: ارزش‌ها، می‌توانند الهی، مطلق و شهودی باشند و در آن آرمان‌ها، عقاید، ادراکات، عواطف، احساسات، گرایش‌ها و شیوه‌های عمل‌کنندگان اجتماعی و قوانین و احکام وجود داشته باشند و از نگرش‌های دینی یا از فرهنگ خاصی نشأت گرفته باشد که در اسلام این ارزش‌ها، قابل تغییر نیست و

نیز ارزش‌ها می‌توانند در هر جامعه‌ای نشان از واقعیت‌های فرهنگ آن جامعه و قابل مشاهده تجربی و خاستگاه اجتماعی باشد. اما آنچه از مباحث آینده از آن به‌عنوان ارزش‌ها نام می‌بریم درحقیقت، معنای اسلامی و دینی آن مورد نظر است. این ارزش‌ها و خوب و بد‌ها در اسلام بیان شده و ثابت و ابدی است؛ هرچند که احکام در اسلام جزئی و متغیرند. قرآن کریم درباره کامل بودن ارزش‌های دینی در اسلام می‌فرماید: «... امروز، دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به‌عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم...» (مائده: ۳).

شیوه‌های انتقال ارزش‌های اسلامی

۱. یادگیری و پیروی

در فرایند انتقال ارزش‌ها، مکانیزم‌های «یادگیری و پیروی»، «هماندسازی» بسیار تعیین‌کننده است. یادگیری عبارت است از: گرفتن بازتاب‌ها، عادات، طرز رفتار و مانند آن از دیگران که با شیوه تکرار، تقلید و پیروی، تشویق و تنبیه، در ارگانسیم روانی فرد جای می‌گیرد و رفتارهای او را شکل می‌دهد (Giddens, 1995: p. 150).

یادگیری و تربیت، از شاخص‌های مهم انتقال ارزش‌ها است. همچنین یکی از فلسفه بعثت انبیاء، آموزش و یاددادن مهارت‌های زندگی و هدایت انسان‌هاست: «خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به‌سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند» (بقره: ۲۱۳). از این رو، کتاب‌های آسمانی برای هدایت انسان نازل شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «آن کتاب باعظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است» (بقره: ۲). در روایتی: «پیامبر خدا ﷺ به مردی که خواهش کرد او را سفارشی کند، فرمود: ... مردم را به سوی اسلام هدایت کن و بدان که به‌ازای هر کس که به دعوت تو پاسخ دهد، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان یعقوب را خواهی داشت» (حر عاملی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۱: ص ۴۴۸).

امروزه در جوامع مُدرن، کسب دانش و آموزش مهارت‌های زندگی، از اهمیت زیادی برخوردار است. انسان‌ها از طریق تعلیم و تربیت با بسیاری از الگوهای رفتاری در جامعه آشنا

می‌شوند، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود را یاد گرفته و در کنش و واکنش اجتماعی از آن بهره می‌برند.

با یادگیری می‌توان برای افراد جامعه فرصتی به وجود آورد که استعدادهای خود را پرورش دهند و در این فرایند به گونه‌ای یکسان عمل نمایند. با یادگیری، می‌توان به ایجاد یک جامعه انسانی با رفتارهای اسلامی کمک کرد.

کودکان، در فرایند یادگیری، بسیاری از ارزش‌ها، هنجارها و شیوه برخورد با دیگران و چگونگی فکر کردن را یاد می‌گیرند (کوئن، ۱۳۷۹: ص ۲۰۰). این فرایند، نقطه اتصال بین فرد و جامعه است (سلیمی، ۱۳۸۰: ص ۴۳) و در انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر اثرگذار است (روشه، ۱۳۷۴: ص ۱۸۲). کودکان، در فرایند یادگیری، معرفت، مهارت و انگیزش تحریک در زندگی اجتماعی‌شان را به دست می‌آورند (Stebbins, 2001: p. 90). آنان در نظام تعلیم و تربیت، فراتر از آنچه که با آموزش یاد می‌گیرند، می‌آموزند. کارکردهای پنهان در یادگیری سبب تأثیر مثبت در ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های افراد می‌شود و اطلاعات زیادی را که تاکنون درباره جامعه و محیط کار نداشتند، کسب نمایند. کودکان یاد می‌گیرند که حرف معلم را گوش کنند و با آنچه که معلم رفتار می‌کند، هم‌نوا شوند (Giddens, 1995: p. 150).

بسیاری از کثرت‌فشاری‌های اجتماعی، ریشه در نابسامانی‌های یادگیری دارد؛ چراکه علوم و مهارت‌های زندگی در افراد، با توسط تعلیم و تربیت به فراگیران آموخته می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما، کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را نمی‌دانستید، به شما یاد دهد» (بقره: ۱۵۱). در روایتی از امام علی ۷ آمده است: «از علم هر آنچه که پیش می‌آید، بیاموزید و بپرهیزید که آن را برای چهار خصلت به کار بندید: برای فخرفروشی به علماء یا مناظره با نادانان یا خودنمایی در مجالس یا جلب توجه کردن مردم برای ریاست بر آنان» (شیخ مفید، ۱۳۸۹: ص ۲۳۰). اگر در یک جامعه‌ای، ثروت‌اندوزی، به صورت‌های ارزش‌های اجتماعی در آمده باشد و مردم به دنیاپرستی روی آورند، ریشه آن به نظام هنجاری‌هایی بر می‌گردد که در آموزش رخ داده است. حضرت عیسی ۷ می‌فرماید: «چگونه در شمار دانشمندان باشد، کسی که دنیای خود را بر آخرتش ترجیح می‌دهد و به دنیا روی آورده

است و آنچه را به او زیان می‌زند، بیشتر دوست دارد از آنچه که به او سود می‌رساند؟!» (شهیدثانی، ۱۳۷۱ق: ص ۶۸). امام علی ۷ می‌فرماید: بر دانشمند است که آنچه را می‌داند، به کار بندد و سپس در پی یادگرفتن علمی رود که نمی‌داند (تمیمی آمدی، ۱۳۸۶: ص ۶۱۹۶).

امام علی ۷ می‌فرماید: «دل نوجوان، همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. از این رو، من قبل از اینکه دلت سخت و فکرت مشغول شود، به تأدیب و تربیت تو پرداختم» (نهج البلاغه، ن ۳۱). بنابراین، با یادگیری و تربیت می‌توان، به انتقال ارزش‌ها و هنجارهای جامعه به نسل‌های آتی پرداخت.

انتقال ارزش‌ها از طریق پاداش دادن به رفتارهای مناسب نیز انجام می‌شود. امام علی ۷ در این باره می‌فرماید: «با پاداش دادن به نیکوکار، بدکار را از بدکاری باز دار» (نهج البلاغه، ح ۱۷۷). از این رو، برای کنترل ناهنجاری‌ها و انتقال آن به گنشگران اجتماعی، می‌توان از سیستم تشویق استفاده کرد؛ مثلاً با هدیه دادن به افرادی که از پوشش مناسب استفاده می‌کنند، به تنبیه کجروان اجتماعی پرداخت.

۲. همانندسازی با الگوهای مرجع

همانندسازی، با افراد جذاب و الگوهای مرجع، از مهم‌ترین عوامل انتقال ارزش‌های جامعه به گنشگران اجتماعی است. در این شیوه، افراد تحت تأثیر الگوی جذاب قرار گرفته و در فعالیت‌های اجتماعی همانند آنان، رفتار می‌کنند (اتکینسون، ۱۳۷۱: ص ۳۹) اهمیت الگوپذیری در ارزش‌ها و انتقال آن به گنشگران مختلف اجتماعی در یک جامعه دینی برای فراگیری ارزش‌های الهی، دوچندان خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: «به‌طور قطع، برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱). افراد در مواقعی از الگوهای خاصی که به‌عنوان گروه مرجع وی است، تأثیر می‌پذیرند و ارزش‌ها و هنجارهای آنان را ناخودآگاه در شخصیت خود درونی ساخته و با آن هم‌نوا می‌شوند. به عبارت دیگر، همانندسازی با الگوهای مرجع، بدین معنی است که وی ارزش‌های آن گروه یا جامعه را به‌عنوان ارزش‌ها و معیارهای اساسی می‌پذیرد و از آنها پیروی می‌کند.

از این رو، در یک جامعه دینی باید تلاش کرد تا افراد مناسبی را به‌عنوان نمونه و الگو

برای جامعه معرفی کرد. معیارهای پرهیزکاری، امانت‌داری، نظم و عدالت رفتاری در اسلام، می‌توانند از بارزترین شاخص‌های گروه‌های مرجع در طبقات مختلف اجتماعی باشد. امام باقر 7 می‌فرماید: «باتقوایان، نشانه‌هایی دارند: راست‌گویی، امانت‌داری، وفای به عهد،... خوش‌خویی، بردباری و...» (صدوق، ۱۳۶۸: ص ۵۶). امام علی 7 می‌فرماید: کسی باید در صدر مجلس بنشیند که دارای سه ویژگی باشد: هرگاه از او سؤالی پرسند، پاسخ گوید؛ هرگاه دیگران از سخن گفتن در ماندند، او سخن گوید و نظری دهد که خیر و صلاح آنان باشد. هر کسی این ویژگی‌ها را نداشت و در صدر مجلس بنشیند، نادان است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸: ص ۳۰۴). قرآن کریم می‌فرماید: «به‌طور قطع برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱).

ارزش‌ها در صورتی همانندسازی می‌شوند که دارای جذابیت باشند. گروه‌های مرجع در صورتی الگو قرار می‌گیرند که از جاذبه‌های ارزشی پیروی نمایند. از این رو، نقش گروه‌های مرجع در انتقال ارزش‌ها بسیار برجسته است؛ زیرا جاذبه‌های ارزشی بیشتر در گروه‌های مرجع به وجود می‌آید. از منظر آموزه‌های دینی، جذاب‌ترین ارزش‌ها در جامعه اسلامی، پرهیزکاری خواهد بود. امام سجاد 7 می‌فرماید: «هیچ افتخاری برای فرد قریشی یا عرب نیست، مگر به تقوا و هیچ کرامتی نیست، مگر به تقوا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۰: ص ۲۸۸).

در جامعه‌ای که ارزش‌های الهی حاکم است، الگوهایی از هنجار و رفتارهای اجتماعی و حیوانی وجود دارد که معیاری برای رفتار و اعمال گروه‌های مرجع خواهد بود. به‌عنوان نمونه، در جامعه‌ای که پیامبر حاکمیت دارد و به‌دنبال آن، حکومت جانشینان وی در یک نظام اسلامی شکل می‌گیرد، تصور این است، فردی که از جانب خدا تعیین شده و آنچه که می‌گوید و عمل می‌کند، رنگ الهی دارد و این رنگ خدایی، باید الگوی رفتاری انسان قرار گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «رنگ خدایی (بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم» (بقره: ۱۳۸). در مکتب امامیه، الگوهای رفتاری که فرد از آنها الگوبرداری می‌کند، از سوی خدای سبحان فرستاده شده است و توسط پیامبر 9 و ائمه معصومین : تبیین گردیده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «آری! برای شما در زندگی آنها اسوه و سرمشق نیکویی بود، برای کسانی که امید به خدا و روز قیامت دارند و هر کس سرپیچی کند، به خود ضرر زده است؛ زیرا خداوند بی‌نیاز و شایسته ستایش است» (ممتحنه: ۴ و ۶). این الگوها سبب می‌شود که فرد مسلمان، راحت‌تر و با خواست خودش این الگو، ارزش و هنجارهای اجتماعی را درونی کند و در تعاملات اجتماعی با دیگران آن را به کار گیرد و آن الگوها را به‌عنوان معیارهای درست و ارزش‌های مثبت تلقی کرده و با آن هم‌نوا شود و در شخصیت خود تثبیت نماید (ستوده، ۱۳۷۶: ص ۱۴۰). از این‌رو، مسلمانان در فرایند انتقال ارزش‌ها، از محیط‌ها و گروه‌های مرجع مسلمان و مؤمن موردنظر خود هنجارپذیر می‌شوند. قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان باایمان، ولیّ (یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (توبه: ۷۱). امام علی ۷ می‌فرماید: از کارهای بد، نهی کنید و خود نیز از آن برحذر باشید؛ زیرا که شما فرمان دارید اول خودتان را از کارهای زشت دور کنید و سپس دیگران را» (نهج‌البلاغه، خ ۱۲۹). نمونه‌های ذکر شده از آیات و روایات نشان می‌دهد که بایستی ارزش‌های الهی به جامعه منتقل گردد و الگوهای رفتاری باتقوایان فراگیر شود.

۳. قانون و هنجار

از دیگر شاخص‌های مهم در انتقال ارزش‌ها، وجود قانون و هنجار است. نظم اجتماعی در صورتی به وقوع می‌پیوندد که در جامعه هنجارها و یا قوانین رفتاری وجود داشته باشد. از معضلات مهم جوامعی که انحرافات در آنان بسیار است، نبود هنجارهاست. این وضعیت را دورکیم برای اولین بار به‌عنوان «وضعیت آنومی» نام می‌برد که در جامعه، هنجار و قوانین اجتماعی برای رفتار وجود ندارد. در این وضعیت کُنشگران اجتماعی، احساس بی‌هنجاری می‌کنند و از اینکه نمی‌توانند چگونگی عمل و رفتار را در جامعه تشخیص دهند، احساس نگرانی می‌نمایند. با تشدید این وضعیت در جامعه، همبستگی اجتماعی کاهش یافته و تمایل به خودکشی افزایش می‌یابد (دورکیم، ۱۳۶۲: ص ۸۳)؛ بنابراین همان‌گونه که با فراگیری هنجارها می‌توان به انتقال آن به کنشگران اجتماعی کمک کرد؛ با قانونی کردن برخی از هنجارهای اجتماعی، می‌توان از انحرافات دوری جست و به تثبیت نظام اجتماعی در جامعه اسلامی، عمل کرد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که کدام قانون و هنجار در جامعه حاکم باشد. خدای سبحان می‌فرماید: «پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است» (احزاب: ۶)؛ از امام باقر ۷ درباره تفسیر آیه مذکور سؤال شد، فرمود: «نزلت فی الامر»؛ حاکم شدن قانون الهی و حکومت اسلامی (قمی مشهدی، ۱۳۶۶، ج ۱۰: ص ۳۲۲)؛ البته در انتقال ارزش‌ها، وجود هنجار و قانون بسیار مهم است، اما نباید قانون به گونه‌ای باشد که مانع بعضی از ارزش‌های اجتماعی یک جامعه باشد. به عنوان مثال، بعضی از سازمان‌های غیررسمی در غرب وجود دارد که به فعالیت‌های گروهی در قالب خودیاری می‌پردازند؛ درحالی که فعالیت این گروه‌ها در برخی از جوامع اسلامی به صورت قانونی پذیرفته شده نیست و حتی در مواقعی با واکنش خصمانه روبرو می‌شوند (Giddens, 1995: p. 155).

در اسلام، رفع نیازمندی‌های مسلمانان از ارزش‌های الهی شمرده شده است. از این رو، کمک به ناتوانان، از هنجارهای اجتماعی قلمداد می‌شود و انجام این فعالیت‌ها در جامعه تشویق می‌گردد. در روایات تأکید بسیاری بر فعالیت‌های دسته‌جمعی در قالب «جماعت» شده است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «ای مردم! به جماعت روی آورید و از پراکندگی برحذر باشید» (المتقی، ۱۴۰۱ق، ۲۰۲۴۲). لازم است جامعه اسلامی، افراد را در صحنه اجتماعی با ارزش‌های اسلام، جامعه‌پذیر کند. ایثار پول، غذا و مسکن به برادر دینی از ارزش‌های الهی تلقی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «با وجود نیاز و محبت به غذا، آن را به مستمند، یتیم و اسیر می‌دهند» (دهر: ۸) رفع نیاز مؤمنین در چنین جامعه‌ای مطلوب و رضایت‌پروردگار را در پی خواهد داشت. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مومن خود بکوشد، چنان است که نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده‌داری خدا را عبادت کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ص ۳۱۵). از این رو، در انتقال ارزش‌ها، هنجارمند کردن و قانونی نمودن ارزش‌ها، نقش مهمی در فراگیری و تثبیت آن در جامعه خواهد داشت.

۴. محبت و تعلق

از دیگر شاخص‌های مهم در انتقال ارزش‌ها، تعلق، محبت، ارتباط و علاقه عاطفی میان اعضای جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «... و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش

می‌کنند. اینان اهل سعادتند» (بلد: ۱۸). جامعه‌ای که ارتباط و وابستگی افراد به هم، در آن کاهش یابد، تمایل افراد به انحرافات افزایش خواهد یافت. دورکیم نیز در این باره دقیق سخن گفته است. وی یک نوع از انحراف را با عنوان خودکشی مورد مطالعه قرار داد و توضیح می‌دهد که هر قدر تعلق و وابستگی یا همبستگی اجتماعی در جامعه کاهش یابد، خودکشی در آن افزایش خواهد یافت (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ص ۱۳).

درست است که دورکیم بسیاری از مسایل دیگر مانند انگیزه‌های فردی را در تحلیل خود در نظر نگرفته است انگیزه‌های فردی و تنها به آمار تعدادی که خودکشی کرده‌اند، پرداخته و به چنین تحلیلی رسیده است، اما این موضوع به عنوان یک قاعده جامعه‌شناختی در میان دانشمندان پذیرفته شده است. حتی در برخی آزمایش‌ها، به این نتیجه دست یافته‌اند که اگر در خانواده، عشق، علاقه و محبت اعضا نسبت به هم کم شود و اعضای خانواده احساس کنند که دیگر هیچ نیاز عاطفی، علاقه و وابستگی روحی به هم ندارند، احتمال جدایی و گسست زناشویی بالا می‌رود و یا حتی عده‌ای، احتمال خودکشی یکی از اعضا را - که تعلق آن به خانواده کم است - را مطرح کرده‌اند. از این رو، در روایات بر اهمیت دوستی و علاقه به همسر تأکید شده است. امام صادق ۷ می‌فرماید: «هر کس علاقه‌اش به ما بیشتر باشد، علاقه‌اش به زن و شیرینی بیشتر است» (ابن‌ادریس، ج ۸: ص ۱۴۳). آنچه خانواده را به یکدیگر وابسته کرده و تشکیل یک نهاد را در جامعه داده است، همان نیازهای عاطفی، عشق و محبت افراد به همدیگر است. پیامبر خدا ۹ می‌فرماید: «این سخن مرد به زن که، دوستت دارم، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵: ص ۵۹). تعلق، عشق و محبت می‌تواند بسیاری از الگوهای رفتاری را به سایر افراد منتقل کند و حتی فرزندان را با ارزش‌های اجتماعی جامعه‌پذیر نماید.

روایات بسیاری وجود دارد که بر صمیمیت و عطف در برخوردها تأکید دارد (المتقی، ۱۴۰۱ق: ح ۱۰۴۶۴) که در حقیقت توجه خاص اسلام به این شاخص مهم در انتقال ارزش‌ها را نشان می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: «سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی توصیه می‌کنند!» (سوره بلد: ۱۷ و ۱۸).

اگر جامعه بخواهد با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی عجین شود و افراد در آن جامعه با الگوها هم‌نوا باشند، لازم است تا مشکل دیگران را مشکل خود دانسته و در غم و شادی

انسان‌های مسلمان دیگر شریک شوند. امام صادق 7 می‌فرماید: «هر کسی یک نیاز از برادر مومن خود را برآورده سازد، خداوند سبحان در روز قیامت صد هزار نیاز او را برمی‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ص ۲۹۸). پیامبر اکرم 9 می‌فرماید: «بنده‌ایی از امتم نیست که به برادر دینی خود مهر و محبتی ورزد، مگر آنکه خداوند از خدمت کاران بهشتی به او خدمت کنند» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ص ۲۰۶).

محبت و علاقه افراد انسانی نسبت به هم، دارای کارکردهای اجتماعی بسیاری است. از جمله آنها، انتقال ارزش‌ها و همنوایی کنشگران اجتماعی با ارزش‌های جامعه است که در نتیجه، فراگیر شدن ارزش‌های الهی را به دنبال دارد. تأکید روایات اسلامی بر احسان و نیکی به برادر دینی، محبت کردن به فرزندان یتیم و گذشت از مال و جان (منذری، ۱۴۲۱ق، ج ۵: ص ۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ص ۱۱۷) برای تعلق خاطر دیگری، همگی برای حفظ ارزش‌های اسلامی و ایجاد جامعه‌ای با احساس تعلق و محبت به برادران دینی است. قرآن کریم می‌فرماید: «و خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، همچنین به خویشاوندان، یتیمان، مسکینان، همسایه نزدیک و دور، دوست و همنشین، واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آنها هستید؛ نیکی کنید؛ زیرا خداوند، کسی را که فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد» (سوره نساء: ۳۶). همچنین «بگو: پروردگرم روزی را برای هر کس بخواهد، وسعت می‌بخشد و برای هر کس بخواهد، و محدود می‌سازد و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است!» (سبا: ۳۹).

عامل دیگری که در انتقال ارزش‌ها مؤثر است، «تعلق عاطفی» است. وابستگی عاطفی در محیط‌هایی به وجود می‌آید که فرد در آن محیط احساس دلبستگی می‌کند، مانند: نهاد خانواده؛ زیرا در چنین محیطی، روابط صمیمانه میان اعضای خانواده برقرار است و محبت، عشق و دوستی فراوان یافت می‌شود و از آن برای کمک به یکدیگر در ادامه زندگی استفاده می‌کنند و هیچ‌گونه زیاده‌خواهی ناشی از رقابت و حذف طرف مقابل در میان آنان وجود ندارد. در خانواده، فشار عاطفی که بر اثر روابط خانوادگی به وجود آمده، فرد را وادار می‌کند که با درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای محیطی خود، آنها را زودتر یاد بگیرند تا از تشویقات و پاداش‌های خانوادگی بهره‌مند شوند (روشه، ۱۳۷۶: ص ۱۸۳).

امام صادق 7 می‌فرماید: «خداوند به انسان برای محبت شدید او به فرزندش، رحم می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۳: ص ۴۹) یا درباره ویژگی دختران، پیامبر اکرم 9 می‌فرماید: «این دخترانند که دلسوز و مددکار و بابرکتند» (المتقی، ۱۴۰۱ق، ۴۵۳۷۴) و نیز فرمودند: «خدای تبارک و تعالی به زنان مهربان‌تر از مردان است. هیچ مردی نیست که زنی از محارم خود را خوشحال سازد، مگر اینکه خداوند متعال در روز قیامت او را شادمان گرداند» (کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۶: ص ۷).

بنابراین، تأکیدات قرآن و روایات نشان می‌دهد که از طریق محبت بین پدر و مادر و فرزندان و محبت با سایر کنشگران اجتماعی می‌توان بسیاری از ارزش‌ها را منتقل کرد و در رفتار فرد تأثیر به‌سزایی داشت.

۵. ازدواج و همسرگزینی

از دیگر عوامل انتقال ارزش‌ها، از منظر قرآنی، ازدواج و همسرگزینی است: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید؛ همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کارتان را» (نور: ۳۲). تأکید بر اینکه اسلام نمی‌خواهد جامعه را به سوی بی‌بندوباری جنسی و ارضای نیازهای جسمانی بدون نظام خانواده، سوق دهد، موضوع انتقال ارزش‌های اسلامی به نسل‌های آینده است: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید» (روم: ۲۱). با ازدواج، بسیاری از ارزش‌های زوجین به یکدیگر منتقل می‌شود و با فرایند جامعه‌پذیری به فرزندان نیز منتقل می‌گردد. پیامبر 9 فرماید: «با خانواده شایسته وصلت کنید؛ زیرا رگ و ریشه اثر دارد» (المتقی، ۱۴۰۱ق، ح ۴۴۵۵۷).

پیامبر خدا 9 می‌فرماید: «برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا زنان بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند» (همان، ح ۴۴۷۰۷). خانواده تجربه نسل‌های گذشته را در اختیار نسل‌های آینده می‌گذارد (گنجی، ۱۳۷۸: ص ۱۴۲).

زنان به سبب دارابودن روح عاطفی و احساسی و اشتغال در خانه و به‌لحاظ توان فیزیکی کمتر همواره در معرض کج‌روی‌های اجتماعی از نوع خشونت‌آمیز و تبهکاری‌هایی هستند که مردان در تعاملات اجتماعی دارند. مطالعات جامعه‌شناختی درباره زنان نشان می‌دهد که درصد تبهکاری و ناهنجاری از نوع جرم‌های خشن در زنان بسیار کم

است و تنها به بعضی از ناهنجاری‌ها از جمله تجاوز به عنف و فحشا اشاره کرده‌اند (Giddens, 1995: p. 87).

به نظر می‌رسد، اولین گام در انتقال ارزش‌ها به زنان، این است که به روحيات و شخصیت زنانه آنان توجه شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «این سخن مرد به زن که دوست دارم. هرگز از دل زن بیرون نرود» (کلینی ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۵۹).

اسلام تشویق می‌کند که زنان باید با ارزش‌ها و الگوهای زنانه تربیت شوند و مردان با ارزش‌ها و الگوهای مردانه و حتی پوشیدن لباس زنانه را برای مردان نهی کرده است. آیمن، در پژوهشی به این نتیجه رسید که بسیاری از زنان در انجام مسئولیت‌های اجتماعی همراه با وظایف زندگی خانوادگی دچار تعارض‌های غیرقابل حل می‌شوند (صادقیان، ۱۳۸۶: ص ۱۳۰). اینکه بنیان خانواده از ابتدا بر مبنای درست چیده شود، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های اسلامی به فرزندان خواهد داشت و جامعه را به سوی خوشبختی پیش خواهد برد و فرد در آن رشد می‌کند و تحت تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد و اجتماعی می‌شود. اینکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «از ازدواج با زن احمق برحذر باشید؛ زیرا همنشینی با او تباهی است و فرزندانش کفتارصفت هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ص ۲۳۲)، به این دلیل است که فرزندی که از او متولد می‌شود، رشد نیافته و جامعه‌پذیر نشده و نمی‌تواند ارزش‌های اجتماعی را - به دلیل نقص در اجتماعی‌شدنش - درونی سازد. اسلام تأکید زیادی بر اصلاح جامعه و محیط اجتماعی دارد و این تأکیدات برای این است که جامعه دچار بی‌هنجاری و رفتارهای ضد ارزشی نشود و در فرایند پیشرفت و خوشبختی قرار گیرد.

زوجین باید ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر اسلام در همسرگزینی را درونی کنند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «نباید حُسن صورت زن را بر حُسن دینداری او برگزید»، نشان از ارزش‌های معنوی تقوا و پرهیزکاری در ازدواج است (المتقی، ۱۴۰۱ق: ح ۴۴۵۹۰). رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر کس که زنی بگیرد و در خاطر داشته باشد که مهریه او را نپردازد، هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد» (پاینده، ۱۳۹۰: ص ۱۰۳۱). اینکه در اسلام برای ازدواج، مهریه برای مسلمانان تدوین شده است، گویای پیروی از هنجارهای اسلامی در ازدواج است. پیامبر ﷺ فرمودند: هر جوانی که در ابتدای جوانی خود ازدواج کند، شیطان‌ش فریاد برمی‌آورد: «وای بر او! دین خدا را از گزند من حفظ کرد» و نیز فرموده‌اند:

به وسیله زناشویی، روزی بجوئید». قرآن کریم می‌فرماید: «... اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش دهنده و آگاه است!» (نور: ۳۲).
در مجموع، از آیات و روایات به دست می‌آید که با ازدواج، ناهنجاری‌های اجتماعی - که در اثر مداخله شیطان در نیاز جنسی صورت می‌گیرد - کنترل می‌شود. ارزش‌ها با تشکیل خانواده مبتنی بر اسلام، به زوجین منتقل می‌گردد و زوجین در حفظ آن یکدیگر را تکمیل می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

نقش کارکردی ارزش‌ها در برقراری نظم اجتماعی، بر کسی پوشیده نیست. جوامع سنتی و نیز جوامع صنعتی با جهت‌دهی به ارزش‌های مورد نظر خود، تلاش می‌کنند تا نظام اجتماعی مستقلی را برای حفظ نظم و امنیت جامعه ایجاد کنند. این مهم در جوامع اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی دنبال می‌شود. در اسلام، ارزش‌های ثابتی وجود دارد که تحت تأثیر تحولات اجتماعی دگرگون نمی‌شود و ارزش‌های اجتماعی نیز با معیار دینی سنجیده می‌شود و در صورت عدم معارضه با اسلام ترویج می‌گردد. به‌طور مثال، اصل حجاب و رعایت آن در اسلام بیان شده است، اما اینکه چه نوع لباسی، ارزش اجتماعی پیدا کند، بستگی به سطح فرهنگی جامعه و پیروی و همنوایی کُششگران اجتماعی با آن دارد. از این رو، می‌توان آن را در ضمن ارزش‌های اجتماعی غیر ثابت تلقی کرد.

در پاسخ به این پرسش که شیوه انتقال ارزش‌ها در جامعه چگونه است؟ مطالعات آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد، ارزش‌های اجتماعی ریشه در فرهنگ جامعه دارد و فرهنگ هر جامعه، ارزش‌های مورد قبول خود را تولید می‌کند. در جوامع اسلامی ارزش‌های اجتماعی از دین اخذ می‌شوند و تلاش می‌شود تا در جامعه نهادینه شوند؛ البته برخی از ارزش‌های اجتماعی غیر ثابت و نسبی نیز وجود دارد که تحت تأثیر هنجارهای غیردینی دگرگون می‌شوند.

به هر حال، ارزش‌های اجتماعی را می‌توان با مناسبت‌های دینی همسان کرد آمیخت و نوعی کُنش متقابل اجتماعی را در آن ایجاد کرد و با توجه به نصوص قرآنی و حدیثی، آنها را جهت داد و به اقناع رفتاری جامعه پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برخی از

راه کارهای انتقال ارزش‌های اجتماعی در اسلام از منظر قرآن و حدیث شامل موارد ذیل است:

یادگیری و پیروی سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی، نقش زیادی در انتقال آن به نسل‌های آینده دارد. تلاش‌های مردم برای کسب علم و آگاهی از معارف دینی و اهمیت دادن اسلام به علم‌آموزی و تحصیل جوانان سبب می‌شود تا ارزش‌های الهی شناخته شود و به نسل‌های بعد منتقل گردد.

انتقال ارزش‌ها از طریق الگوهای اجتماعی افراد جذاب، نقش مهمی در انتقال ارزش‌های اسلامی خواهد داشت. این الگوها در جوامع اسلامی از سبک زندگی و رفتار پیامبر ۹ اخذ می‌شود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱) که خدای سبحان برای بشر نازل کرده است و در کلام معصومین: نیز بیان شده است مبتنی بر اینکه باید افراد باتقوا، الگوی جامعه قرار گیرند. از این‌رو، از طریق آنان بسیاری از ارزش‌های اسلامی به جامعه منتقل می‌شود.

برخی ارزش‌های اسلامی در یک جامعه اسلامی با قرارداد آنها در قوانین رسمی و الزام آن به گنشگران اجتماعی منتقل می‌شود و به تدریج در جامعه فراگیر خواهند شد و به صورت ارزش اجتماعی نمایان می‌شوند. از این‌رو، چگونگی اعمال آموزه‌های اسلامی در قوانین جوامع اسلامی و هنجارمند کردن آنان در جامعه، در انتقال آن به نسل‌های آینده بسیار اهمیت دارد.

تقویت ارتباط عاطفی افراد جامعه و گسترش مهرورزی و محبت به دیگر مسلمانان و کمک و دست‌گیری آنان در انتقال ارزش‌های اسلامی به جامعه، نقش اساسی دارد. بسیاری از ارزش‌های اسلامی از طریق محبت و تعلقات گروهی به دیگران منتقل می‌شود و فضای جامعه را با ارزش‌های اسلامی هم‌نوا می‌سازد. تعلق عاطفی، زمانی شکل می‌گیرد که افراد جامعه در آن احساس دلبستگی نمایند و از طریق این فرایند، می‌توان ارزش‌های مورد نظر را همانند انتقال ارزش‌ها، به واسطه تعلق عاطفی اعضای خانواده نسبت به هم، به دیگران منتقل کرد.

ارزش‌های افراد به واسطه ازدواج به خانواده زوجین نیز منتقل می‌شود و در فرایند تثبیت قرار می‌گیرد. شخصی که با خانواده دیگری ازدواج می‌کند، ارزش‌های خود را به آنان

منتقل می‌کند و در فرایند فرهنگ‌پذیری خانواده مقابل نیز قرار می‌گیرد و زوجین پس از مدتی دارای ارزش‌های یکسانی خواهند شد. از این رو، در اسلام بر همسرگزینی شایسته و دقت در ازدواج تأکید بسیاری شده است.

در مجموع می‌توان به این نتیجه رسید که برای انتقال ارزش‌های اسلامی به جامعه، علاوه بر فرایند اجتماعی کردن افراد و تقویت و تثبیت ارزش‌ها، لازم است به شیوه‌های انتقال آن نیز توجه کرد که در این پژوهش به برخی از آنان از منظر قرآن و روایات پرداخته شد.

کتابنامه

- * قرآن کریم؛ ترجمه: آیت‌الله مکارم شیرازی
- * نهج البلاغه؛ ترجمه: محمد بهشتی
۱. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۳۸۶)، موسوعه ابن ادريس الحلی مستطرفات السرائر، ج ۸، مصحح: محمد مهدی خراسانی، قم: نشر دلیل ما.
 ۲. اتکینسون، ریتا و هیلگارد و دیگران (۱۳۷۱)، زمینه روان‌شناسی، مترجم: محمد تقی براهنی، تهران: نشر رشد.
 ۳. المتقی، علی بن حسام‌الدین الهندی (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مصحح: بکری حیانی و صفوه السقا، بیروت: مؤسسة الرساله.
 ۴. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.
 ۵. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، نهج الفصاحه، قم: نشر عصر ظهور.
 ۶. تریک، راجر (۱۳۸۴)، فهم علم اجتماعی، ترجمه: شهناز مسمی‌پرست، تهران: نشر نی.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۶)، غررالحکم و دررالکلم، مصحح: مهدی رجایی، تهران: نشر دار الکتاب الاسلامی.
 ۸. الجابری، محمدعابد (۱۹۹۱م)، التراث و الحداث؛ دراسات و مناقشات، بیروت: مرکز دراسات الواحدة العربیة.
 ۹. _____ (۱۹۹۳م)، بنية العقل العربیة (نقد عقل ۲) بیروت: مرکز دراسات الواحدة العربیة.
 ۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۳۲ق)، وسائل الشیعه، ج ۱۱ و ۲۰، مصحح: حسین بن محمد تقی نوری و دیگران، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
 ۱۱. حنفی، حسن (۱۹۸۰م)، التراث و التجدید، قاهره: المركز العربی للبحث و النشر.
 ۱۲. _____ (۲۰۰۲م)، «المواقف الاسلامی المعاصر و حقوق الانسان»، فی الحقوق الانسان فی الفكر العربی، بیروت: مرکز دراسات الواحدة العربیة.

۱۳. دورکیم، امیل (۱۳۶۲)، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۷)، لغت‌نامه، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. رابرتسون، یان (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۶. رضی، شریف (۱۳۸۰)، متن کامل نهج البلاغه، ترجمه: محمد بهشتی، قم: نشر تابان.
۱۷. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸)، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران: نشر سروش.
۱۸. _____ (۱۳۸۹)، آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. روشه، گئی (۱۳۷۴)، کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۰. _____ (۱۳۷۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
۲۱. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: نشر آوای نور.
۲۲. سلیمی، علی و محمد داوری (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی کج‌روی: قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه
۲۳. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۷۱ق)، منیة المرید فی آداب المفید و المستفید، ترجمه: محمدباقر ساعدی خراسانی، تهران: المكتبة العلمية الاسلامیه.
۲۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۸)، الخصال، صححه، علّق علیه: علی‌اکبر الغفاری، تهران: نشر صدوق.
۲۵. _____ (۱۳۸۹)، الارشاد فی معرفة حجج‌الله علی‌العباد، ترجمه و شرح: امیر خانبلوکی، قم: انتشارات تهذیب.
۲۶. صادقیان، احمد (۱۳۸۶)، قرآن و بهداشت روان، قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۲۷. صانعی، پرویز (۱۳۷۲)، جامعه‌شناسی ارزش‌ها، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۸. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۷ق)، دروس فی علم الاصول: الحلقة الثالثة، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ترجمه: محمد خواجهوی، تهران: نشر مولی.

۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۶)، تفسیر کنز الدقایق و بحر الغرائب، مصحح: حسین درگاهی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. کازنو، ژان (۱۳۴۹)، مردم‌شناسی، ترجمه: ثریا شیبانی، تهران: نشر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
۳۲. کاظمی، علی اصغر (۱۳۸۲)، مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، الکافی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، ج ۳، ۵ و ۶، بیروت: دارصعب.
۳۴. کولمن، سایمون و هلن واتسون (۱۳۸۱)، درآمدی به انسان‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
۳۵. کوئن، بروس (۱۳۷۹)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه و اقتباس: غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
۳۶. گنجی، حمزه (۱۳۷۸)، بهداشت روانی، تهران: نشر ارسباران.
۳۷. گوردن، مارشال (۱۳۸۸)، فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
۳۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدر اخبار الأئمة الأطهار، ج ۷، ۱۱، ۴۰، ۷۰ و ۹۶، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۹. مزلو، ابراهام (۱۹۷۰م)، روان‌شناسی شخصیت سالم، ترجمه: شیوا رویگریان، تهران: سازمان چاپ هدف.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱)، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی .:
۴۱. منذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی (۱۴۲۱ق)، الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف، گردآورنده: جمیل العطار صدقی، ج ۵، بیروت: نشر دارالفکر.
۴۲. وایس کفر، والتر (۱۳۸۲)، وجود و ارزش‌ها، ترجمه: علیرضا آل‌بویه، قم: فصلنامه نقد و نظر، ش ۳۱، ص ۳۱۸-۳۳۱.

44. Giddens, Anthony (1996), *Sociology*, Scnd Edition Fully Revised & Updated Polity Press.
45. Gordon W. Allport (1978), “Basic considerations for a psychology of personality”, (Yale University press, U.S.A, Michigan), p. 93.
46. Stebbins Robert. a (2001), *Exploratory Research in the Social Sciences*, copyright by sage publication, Inc.